

## جهت‌گیری سیاست کیفری بر مبنای دانش مخاطرات (مطالعه موردی: سیل فروردین ۱۳۹۸ در خوزستان و شیراز)

یزدان صیقل\*

استادیار دانشگاه علامه محدث نوری (ره)

عیسی بنی‌نعیمه (e.bani.1394@gmail.com)

دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد آبادان

امیر ایرانی (irani.amir66@gmail.com)

دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شیراز

(تاریخ دریافت ۱۳۹۸/۳/۱۱ - تاریخ پذیرش ۱۳۹۸/۸/۲)

### چکیده

هدف این مقاله، تحلیل جهت‌گیری‌های سیاست کیفری بر مبنای دانش مخاطرات و آسیب‌شناسی مقررات کیفری از منظر حمایت‌های پیشگیرانه و جبرانی از عوامل زمینه‌ساز سیل و تشدیدکننده نتایج آن پس از وقوع است. دانش مخاطرات با دغدغه تأمین سلامت در برابر وقایع احتمالی مخاطره‌آمیز، در علوم جنایی به‌طور عام و سیاست کیفری به‌طور خاص به تدریج اهمیت یافته است و قانونگذاران در مقام تدوین قوانین جامع برای آیندگان درصدد مقابله با تهدیدهای احتمالی ناشی از برخی جرایم و وقایع برآمده‌اند. در این زمینه، قانونگذار درصدد بر می‌آید تا با وضع مجازات‌ها، جهت‌گیری‌هایی را ترسیم کند تا از هزینه‌های احتمالی وقایع زیست‌محیطی بر افراد و جوامع بکاهد. بر این اساس، چنانچه دغدغه مخاطره‌شناسی، یعنی حفظ و ارتقای سلامت محیط و انسان و تلاش برای مراقبت‌های قبل از وقوع، به حوزه سیاست کیفری وارد شود، می‌توان حمایت حداکثری را از انسان و محیط زیست به عمل آورد. وقوع سیلاب‌هایی که بنا به نظر کارشناسان، در اثر عوامل انسانی و اقدامات ضعیف نظارتی، نتایج فاجعه‌بارشان تشدید شده، بیش از پیش ضعف مقررات کیفری و سیاست کیفری را نشان داد. سؤال اساسی مقاله این است که بر مبنای ملاحظات دانش مخاطرات، به چه شکلی و در چه ابعادی می‌توان این دانش را در جرایم زمینه‌ساز وقوع سیلاب و پاسخ‌های کیفری متناسب با این رفتارها لحاظ کرد. روش مقاله حاضر کتابخانه‌ای با ابزار توصیفی-تحلیلی است. برای این کار، ضمن مطالعه منابع مختلف، مثال‌های عملی به‌ویژه در زمینه سیلاب اخیر در خوزستان و شیراز بررسی شده است. در نهایت در نتیجه آسیب‌شناسی سیاست کیفری بر مبنای ملاحظات دانش مخاطرات نشان داده شده که در ابعاد مختلف حقوق کیفری، از جرم‌انگاری رفتارهای مخاطره‌زا گرفته تا پاسخ به این رفتارها و همچنین ترسیم ساختار متناسب با آن، ورود و لحاظ دانش مخاطرات اولویت راهبردی دارد؛ زیرا بنابر مطالعات، در سیلاب‌های رخ داده، رفتارها و قصور مسئولان، در تغییر محیط زیست و تصمیم‌گیری نادرست تأثیر اساسی داشته که این رفتارها در مقررات جرم‌انگاری نشده و پاسخ‌های مقبولی برای آن به رسمیت شناخته نشده است. از این‌رو برای اینکه یک سیاست کیفری هم‌زمان کارآمد، عادلانه و انسانی باشد، باید در پیش‌بینی و اجرای ضمانت‌اجراه‌های کیفری متناسب با تنوع جرایم مؤثر در وقوع سیل، گوناگونی مجرمان و تفاوت شرایط ارتکاب بزه از انواع و مقادیر مختلف مجازات‌ها بهره‌جوید و همواره هدف اصلی سیاست کیفری برتر، یعنی برقراری عدالت در جامعه را مدنظر قرار دهد. نتیجه دیگر آنکه پاسخ‌های مقررات کیفری باید به‌سمت جبران خسارات بزه‌دیدگان آسیب‌دیده سوق پیدا کند. برخی از آسیب‌های اشخاص و جامعه پس از وقوع سیل رخ می‌دهد و حمایت یا جبران خسارات آنها از بیت‌المال یا صندوق تأمین خسارت یا با همکاری دولت و بیمه می‌تواند سیاست کیفری را توانمندتر جلوه‌گر کند. افزون بر آن، با توجه به اینکه برخی از زمینه‌های وقوع سیل به دلیل نبود محافظت قانونی از بستر رودخانه‌ها صورت می‌گیرد، می‌توان با جلب نظر کارشناسان مخاطره‌شناسی علمی در سیاستگذاری کیفری، قوانین نظام‌مند کیفری را تدوین کرد که هدف آن تقویت کارکرد پیشگیرانه از وقوع چنین حوادثی باشد.

**واژه‌های کلیدی:** جرم‌انگاری، جبران خسارت، حمایت و پیشگیری، دانش مخاطرات، سیاست کیفری، سیل.

## مقدمه

مخاطره‌شناسی را باید علم جوینده سلامت دانست؛ از این رو نمی‌توان آن را جدا از دیگر علوم در نظر گرفت. این علم به‌مثابه دانشی نافع با بهره‌گیری از جغرافیا، فلسفه، ریاضیات، اقتصاد، روان‌شناسی و دیگر علوم خود را توانمند می‌کند. این علم هم به نظم فضایی پدیده‌های مخاطره‌آمیز، هم به خود پدیده و هم به انسان و محیط زندگی وی توجه دارد. دانش مخاطرات افزون بر درک مفهومی به توانایی بشر در تبدیل فکر به عمل نیز تعبیر می‌شود. به تعبیری، «چگونگی تفسیر مخاطرات و اقدامات انجام‌گرفته در خصوص آن یا واکنش مردم، دولت و حکومت به آن حکایت از درک مخاطرات توسط هر یک دارد» [۱۶]. درک مخاطرات از جامعه‌ای به جامعه دیگر متفاوت است. در جامعه ایران درک مخاطرات به‌شکلی روزافزون گسترش یافته است. ارزیابی خطر، مطالعه و پژوهش درباره جایگزینی اقدامات مناسب و در نهایت انتخاب بهترین اقدام در برابر مخاطره را می‌توان رویکرد مبنایی در دانش مخاطرات دانست. سه عامل مهم ادراک مخاطره یعنی ترس، شناخت و قرار گرفتن در معرض آن نوع و میزان توجه به خطر را تحت تأثیر قرار می‌دهند. امروزه رفتارهای متعددی در جامعه وجود دارند که جنبه‌های مختلفی از حیات انسان‌ها را در معرض خطر قرار داده و می‌دهند. بیشتر آنها موضوع جرم‌انگاری قرار گرفته‌اند و قانونگذار برای آنها مجازات در نظر گرفته است. این رفتارها، گاه به صرف اینکه مجازات می‌شوند، آثار و تهدیدهای شایان توجهی را در آینده به‌دنبال دارند. مسئله مهم دیگر در مقاله حاضر به مفهوم سیاست کیفری بازمی‌گردد. این اصطلاح به‌معنای اقدامات واکنشی رسمی است که فقط از جانب دولت و نهادهای وابسته به آن اعمال می‌شوند و سعی دارد به‌صورت غیرمستقیم از ارتکاب جرایم پیشگیری کند. در وقوع سیلاب‌ها بیشتر دلایل وقوع یا تشدیدکننده نتایج ناشی از آنها به اقدامات نهادهای دولتی مرتبط بوده و در رسیدگی‌های دو سیل خوزستان و شهر شیراز این امر به تأیید کارشناسان رسیده است. لذا اینکه دولت در مفهوم عام، چه سیاست کیفری‌ای را علیه خود به رسمیت شناخته یا باید به رسمیت بشناسد خود محل بحث مفصلی است که برخی از جنبه‌های آن در این مقاله اشاره می‌شود. با وجود توضیحات بالا، یکی از دلایل دیگری برای ارتباط مخاطره محوری با سیاست کیفری آن است که در مفهوم مخاطره واژه تهدید نهفته است و مجرد فرض کردن وقوع آن ضرورت دانش مخاطرات را توجیه می‌کند [۱۸]؛ دانشی که دارای نظریه، روش و تکنیک است و توانایی ردیابی و پیش‌بینی مخاطره را دارد [۱۷]. به‌موجب بند الف ماده ۳ قانون مدیریت بحران کشور مصوب ۱۳۹۸ مخاطره چنین تعریف شده است: «پدیده طبیعی یا کنش انسانی (به‌جز موارد نظامی - امنیتی و اجتماعی) که در صورت وقوع در محیط یا

جامعه آسیب‌پذیر می‌تواند تبدیل به یک بحران و حادثه خسارت‌بار شود». ارتباط مهم دیگر را می‌توان در موارد دخالت عوامل انسانی در تشدید وقایع اقلیمی شاهد بود. به‌عنوان مثال در مطالعه موردی مقاله حاضر، سیل فروردین ۱۳۹۸ در شهرهای متعدد از جمله خوزستان و شیراز حاکی از ارتباط تنگاتنگ میان دانش مخاطرات و مقابله حقوقی کیفری با مسببان انسانی چنین وقایعی است. سؤالات اساسی آن است که چنانچه بنا باشد از متضرران از این وقایع حمایت حقوقی کرد باید با چه جهت‌گیری سیاستی این حقوق کیفری ترسیم شود و آیا این ملاحظات در حقوق کیفری کنونی کشور ما وجود دارد یا خیر؟ سیاست کیفری به‌معنای شیوه‌های سرکوب‌کننده دولتی در برابر جرم تعریف و بیان شده است که در قالب اجزای خود مفهوم جرم و دولت و قانونگذاری کیفری مرتبط را شامل می‌شود. با نظر به ملاحظات مخاطره‌شناسی، سیاست کیفری ناگزیر می‌شود تا برای اثربخش بودن خویش به دانش آینده محوری چون دانش مخاطرات توسل جوید و از این حیث در برابر تهدیدهایی که قرار است در یک زمان و مکان عینیت یابند - مانند وقوع سیل در اثر باران معمول در شهرهای شیراز و اهواز- مؤثرترین پاسخ حقوقی کیفری را تدارک ببیند. همنشینی و پیوند میان دانش مخاطرات و سیاست کیفری، برای ایمن‌سازی جامعه ملی و فراملی در برابر مخاطرات فرضیه اساسی پژوهش حاضر است. بر مبنای این فرض و با بررسی همه مقررات کیفری می‌توان به جهت‌گیری‌هایی رسید که التزام به آنها موجب مقابله با هزینه‌های احتمالی برخاسته از برخی جرایم در برابر سلامت انسان و محیط زیست خواهد شد. بر این اساس، تلاش بر تحلیل آن دسته از مصادیقی است که بر مبنای مخاطره قابل فهم‌اند و قانونگذار به آنها وصف جرم داده و برایشان مجازات تعیین کرده است. با بررسی مقررات مختلف می‌توان دریافت که در وقایع دارای نتایج و آسیب‌های چشمگیر چون سیلاب‌های اخیر خوزستان و شیراز، نگاه مخاطره‌محور یا ریسک‌مدار قانونگذار با هدف پیشگیری، امنیت و حمایت در کاهش آلام و همچنین جبران خسارت در قوانین کیفری بسیار کم‌رنگ است. با این فرضیه می‌توان مهم‌ترین ابعاد سیاست کیفری را در قالب نوعی ادبیات قانونی، نوع جرم‌انگاری افعال و تصمیم‌های متولیان دولتی و سیاست‌های زیربنایی در مقابله کیفری به بحث گذاشت. بر این اساس هدف این سیاست کیفری آن است که با پیش‌بینی صحیح اقدامات مؤثر در مخاطراتی چون سیل، در صورت رخ دادن چنین وقایعی، ایمنی، امنیت و نظم عمومی جامعه را برقرار کند.

### روش و چارچوب بحث

روش اتخاذی در این پژوهش، توصیفی-تحلیلی است؛ از یک‌سو نویسندگان درصددند به

بررسی توصیفی از کلیت مقررات و مباحث حقوقی موجود بپردازند و از سوی دیگر پس از تحلیل جزئیات قانونی و آسیب‌شناسی آنها، جهت‌گیری‌های مؤثر در ترسیم سیاست کیفری جامع بر مبنای دانش مخاطرات نسبت به حادثه سیل را معرفی کنند. از آنجا که مخاطره‌شناسی ماهیت پیش‌بینی و پیشگیری دارد [۱۶]، سیاست کیفری در مقررات مختلف مبتنی بر جرم‌انگاری، حمایت، جبران خسارت و پیشگیری از وقوع این رخدادها یا تشدید نتایج آنها پس از وقوعشان، می‌تواند با الهام از دانش مخاطرات به شکل مؤثری بازبینی و آسیب‌شناسی شود. مطالعه موردی سیل فروردین ۱۳۹۸ در خوزستان و شیراز، با نظر به کاستی‌های قانونی نهادهای قضایی در برخورد کیفری با این وقایع صورت می‌گیرد و در مواردی به شکل پیمایشی و با نظر به رویه قضایی محاکم خواهد بود.

#### ۱. نگاه حمایتی در سیاست کیفری ناظر بر مخاطرات

بدیهی است که آنچه در ابتدا در برابر رویه‌های مخاطره‌آمیز، مقتضی و لازم ارزیابی می‌شود، حمایت از جامعه در برابر ریسک‌های گسترده و احتمالی است. در جامعه مخاطره‌آمیز، حمایت‌گرایی به نوعی به کارکرد اصلی و مهم تبدیل می‌شود که به موجب آن تضمین امنیت جامعه و آزادی‌های فردی و حمایت در برابر ریسک‌ها و مخاطرات احتمالی از وظایف حقوق کیفری ناظر بر مخاطرات تلقی می‌شود. ساختار حمایت‌محور بودن، یکی از سیاست‌های محوری در حقوق کیفری است و همه فرایندهای ترسیم و تصویب قوانین مرتبط را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در قالب این حمایت‌محور بودن و با توجه به سیلاب‌های اخیر در شیراز و خوزستان، باید نتیجه بررسی همه مقررات، اذعان بر حمایت از بزه‌دیدگان و محیط زیست آسیب‌دیده در صورت وقوع و مقررات جامع برای حمایت‌های جامع پیش از وقوع باشد. حمایت در قانون مدیریت بحران کشور مصوب ۱۳۹۸ در بند ح ماده ۳ چنین به رسمیت شناخته شده است: «برنامه‌ریزی، هدایت و حمایت برای ایجاد و ارتقای روش‌های جبران خسارت نظیر استفاده از بیمه‌ها، حمایت‌های مالی و سازوکارهای تشویقی، تسهیلات ویژه و صندوق‌های حمایتی در چهارچوب قوانین». از آنجا که گاه هیچ عامل انسانی در وقوع مخاطرات محیطی مانند سیل صورت نمی‌گیرد، مقتضی است که در برابر این مخاطرات بر سازوکارهای حمایتی تأکید ورزید. سیاست کیفری می‌تواند با ترسیم دستورها و وظایف نهادهای مختلف دولتی، ارشادکننده این حمایتی بودن باشد. در ضمن تبیین این دستورها می‌توان با به رسمیت شناختن ضمانت اجرا برای این مصادیق، برای پیش‌بینی جامع این رویکرد حمایتی اقدام کرد.

حمایتی بودن مقررات کیفری زمانی به اوج می‌رسد که سازوکار و فرایند حقوقی<sup>۱</sup> مقابله با اقدام نکردن برای حمایت از آسیب‌دیدگان ناشی از سیل نیز مشخص شده و در این راستا نهادهای متولی تا نوع پاسخ‌ها و انواع حمایت به‌مثابه فرایند اجرایی حمایت، پیش‌بینی شود.

حمایت‌محوری در کنار پیشگیری در قانون پیشگیری و مبارزه با خطرهای سیل مصوب ۱۳۴۸ رویکرد مهمی است که نشان‌دهنده ترک عمل نهادهای دولتی شهرداری‌ها و وزارت کشور در زمینه اقدام در راستای وظایف مقرر در این قانون است. به‌موجب ماده ۱ این قانون «به‌منظور حفظ جان و مال مردم از خطرهای سیل و تأمین بهداشت عمومی، وزارت کشور مکلف است بلافاصله پس از تصویب این قانون، کلیه اقدامات لازم را برای حفظ و اصلاح و احداث مسیل و سیل‌برگردان و کشیدن کانال فاضلاب به عمل آورده و از کلیه اراضی و مستحدثات و ساختمان‌های متعلق به دولت و مؤسسات یا اشخاص اعم از حقیقی و یا حقوقی در هر نقطه که برای تأمین منظورهای مذکور ضرورت داشته باشد استفاده نموده و تعرف یا تملک نماید. در نقاطی که شهرداری وجود دارد، اراضی و مستحدثات و ساختمان‌های مورد تصرف یا تملک از طرف وزارت کشور در اختیار شهرداری قرار خواهد گرفت تا شهرداری خسارت مربوط را به‌ترتیب مقرر در این قانون بپردازد».

نگاه حمایتی در این قانون تا بدانجاست که در ماده ۵ مقرر شده است: «برای مبارزه با خطر سیل و سایر حوادث طبیعی در سراسر مملکت، وزارتخانه‌ها و سازمان‌های دولتی مکلف هستند کلیه امکانات خود را در اختیار وزارت کشور قرار دهند». دخالت وزارت کشور به‌عنوان یکی از نهادهای حساس کشور حمایت در برابر سیل‌های آینده را نشان می‌دهد. یکی از مواد مهم دیگر که نیازمند بازنگری بر مبنای نگرش حمایت‌محور در خصوص وضعیت مخاطره‌زای سیل است، ماده ۵۳۰ است. به‌موجب این ماده «هرگاه برخورد بین دو یا چند نفر یا وسیله نقلیه بر اثر عوامل قهری مانند سیل و طوفان به وجود آید، ضمان منتفی است». بدیهی است که نبود ضمان به پرداخت دیه در خصوص طرفین آسیب در شرایط سیل کاملاً بدیهی است، اما به نظر

۱. برای مثال رویکرد حمایتی ماده ۱۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۴ مقرر داشته است که «جلوگیری از فعالیت تمام یا بخشی از امور خدماتی یا تولیدی از قبیل امور تجاری، کشاورزی، فعالیت کارگاه‌ها، کارخانه‌ها و شرکت‌های تجاری و تعاونی‌ها و مانند آن ممنوع است، مگر در مواردی که حسب قرائن معقول و ادله مثبت، ادامه این فعالیت متضمن ارتکاب اعمال مجرمانه‌ای باشد که مضر به سلامت، مخل امنیت جامعه و یا نظم عمومی باشد که در این صورت، بازپرس مکلف است با اطلاع دادستان، حسب مورد از آن بخش از فعالیت مذکور جلوگیری و ادله یادشده را در تصمیم خود قید کند. این تصمیم ظرف پنج روز پس از ابلاغ قابل اعتراض در دادگاه کیفری است». حمایت از امنیت، سلامت و نظم عمومی جامعه محوری است که مقام قضایی را به اتخاذ تصمیم قبل از اثبات جرم سوق می‌دهد.

می‌رسد که حمایت بیت‌المال نسبت به چنین وقایعی نیازمند تصریح است، زیرا در نظام قضایی پرداخت چنین خسارت‌هایی به سختی ممکن است و همیشه به دیده تردید نگریسته می‌شود. از این‌رو الزام قانونی مبنی بر حمایت مالی از آسیب‌دیدگان در این ماده قانونی باید تقویت شود.

## ۲. جرم‌انگاری جامع رفتارهای مخاطره‌آمیز دستگاه‌ها و مسئولان دولتی

اهمیت زندگی بشر تا بدانجاست که رفتارها و تصمیمات خطرناک برای سلامت و ایمنی اشخاص به تدریج وارد مقررات کیفری و جرم‌انگاری می‌شوند. همچنین با توجه به اینکه مخاطرات مختلف در صورت وقوع لطمات جبران‌ناپذیری در پی دارند، می‌توان جرم‌انگاری رفتارها و تصمیمات مسئولان و کوتاهی برخی از نهادهای دولتی را به‌طور جدی در مقررات کیفری پیشنهاد داد.

لاایروبی نکردن رودخانه‌ها، تصمیم نادرست مسئولان استانی مانند استاندار در مدیریت آب سدها و مدیریت نامناسب در صحنه‌های وقوع سیل و تشدید نتایج زاینبار در استان خوزستان، همگی از رفتارهایی حکایت دارند که وصف مجرمانه و کیفری ندارند. در شیراز نیز اقدامات نسنجیده شهرداری در تغییر محل خروج آب‌ها در دروازه قرآن یکی از دلایل اصلی وقوع سیل اعلام شد. مهم‌ترین علل وقوع سیل در شیراز چنین بیان شده است: تناسب نداشتن حجم سیلاب و ظرفیت سازه‌های احداثی، کم شدن مقطع ورودی کانال به دلیل گرفتگی دریچه‌اشغال‌گیر نصب‌شده، وجود ضایعات ساختمانی در مقاطع مختلف مسیل اصلی و سایر مسیل‌ها، تغییر در محیط طبیعی حوضه آبریز، تغییر مسیر کانال و بازنگری نکردن طراحی.

در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در فصل موجبات ضمان از کتاب دیات و در ماده ۵۱۴ به سیل و اقدامات مجرمانه قابل مجازات اشخاص و عملکرد نهادهای دولتی پس از وقوع آن پرداخته شده است. براساس این ماده «هرگاه در اثر علل قهری مانند سیل و زلزله مانعی به‌وجود آید و موجب آسیب شود، هیچ‌کس ضامن نیست، گرچه شخص یا اشخاصی تمکن برطرف کردن آنها را داشته باشند و اگر سیل یا مانند آن، چیزی را به همراه آورد ولیکن کسی آن را جایی نامناسب مانند جای اول یا در جای بدتری قرار دهد که موجب آسیب شود، عهده‌دار دیه است و اگر آن را از جای نامناسب بردارد و در جهت مصلحت عابران در جای مناسب‌تری قرار دهد ضامن نیست». تبصره ۲ این ماده درباره‌ی کنشگران مسئول پس از وقوع سیل تدوین شده است که براساس آن «افراد یا دستگاه‌هایی که مسئولیت اصلاح یا رفع آثار این‌گونه حوادث را بر عهده دارند، در صورت تقصیر یا قصور قابل استناد در انجام وظیفه، ضامن می‌باشند». بدیهی است که این ضامن بودن به معنای شمول مجازات دیه در جنایاتی است که به‌صورت غیرعمدی و پس از

سیل رخ می‌دهند و علت وقوع آنها درباره اشخاص کوتاهی افراد و مسئولان است. اخیراً نیز جرم‌انگاری مرتبط با پس از وقوع سیل نیز در قانون مدیریت بحران کشور مصوب ۱۳۹۸ پیش‌بینی شده است. به‌موجب ماده ۲۱ این قانون «مسئولیت اجرای این قانون با بالاترین مقام هر یک از دستگاه‌های موضوع ماده (۲) این قانون است و در صورت تخلف از وظایف مقرر توسط هر یک از مقامات، مسئولان و یا کارمندان دستگاه‌ها و نهادهای مشمول این قانون، وزیر کشور، رئیس سازمان و یا استانداران و فرمانداران حسب مورد مکلف‌اند گزارش تخلفات صورت‌گرفته را به هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری دستگاه مذکور ارائه دهند. هیأت‌های مزبور مکلف‌اند ظرف مهلت یک ماه به پرونده رسیدگی و در صورت تخلف، به نسبت میزان تخلف و زیان‌های وارده یکی از مجازات‌های بندهای «د» تا «ک» ماده (۹) قانون رسیدگی به تخلفات اداری مصوب ۱۳۷۲/۰۹/۰۷ را اعمال کنند<sup>۱</sup>. ماده بسیار مهم دیگر که نشان‌دهنده جرم‌انگاری قابل توجه قصور و کوتاهی است و همسو با جرم مقرر در ماده ۵۱۴ قانون مجازات اسلامی است، در ماده ۲۳ این قانون بیان شده است. به‌موجب این ماده «چنانچه فرد یا افرادی که در راستای اجرای این قانون، وظیفه و مأموریتی به آنها محول شده باشد، در انجام وظیفه مرتکب تقصیر شود و از این حیث، صدمه و خسارتی حاصل شود، حسب مورد موجب مسؤولیت مدنی و کیفری خواهد بود.»

۱. تبصره ۱- هرگاه تخلف هر یک از مقامات و یا کارکنان، عنوان مجرمانه نیز داشته باشد هیأت رسیدگی به تخلفات اداری مطابق ماده (۱۹) قانون رسیدگی به تخلفات اداری عمل می‌کند.  
تبصره ۲- در مورد دستگاه‌ها و نهادهایی که از شمول قانون رسیدگی به تخلفات اداری خارج هستند، مطابق مقررات مربوط به خود عمل می‌شود.  
تبصره ۳- در صورت عدم پیش‌بینی مرجع صالح جهت رسیدگی به تخلفات یک نهاد، گزارش تخلف و عدم اجرای تکالیف قانونی به مراجع قضایی ارسال می‌شود.  
تبصره ۴- هر یک از مقامات مزبور که از وقوع تخلف یا جرمی مرتبط با وظایف مقرر در مدیریت بحران، مطلع شود و مراتب را به مراجع ذی‌صلاح قضایی یا اداری اعلام نکند این اقدام به‌عنوان تخلف اداری محسوب و به شش ماه تا دو سال انفصال موقت و در صورت تکرار به انفصال دائم از خدمات دولتی و عمومی محکوم می‌شود.  
ماده ۲۲- هر یک از مسئولان دستگاه‌های مشمول این قانون در سطوح مختلف موظفند مصوبات و دستورات مکتوب و در چهارچوب این قانون وزیر کشور، رئیس سازمان و رؤسای ستادهای ملی، استانی و شهرستانی را با تدارک و فعال نمودن کلیه امکانات و توانمندی‌های دستگاه مربوطه در بازه زمانی تعیین‌شده اجرایی کند و گزارش عملکرد خود را به رئیس سازمان و رؤسای ستادهای مذکور ارائه دهد. عدم اجرای مصوبات و دستورات مزبور یا عدم ارائه گزارش عملکرد، تخلف محسوب و مشمول احکام مندرج در ماده (۲۱) این قانون خواهد بود.

تبصره - نمایندگان دستگاه‌های عضو ستاد موضوع تبصره (۳) ذیل ماده (۱۰) این قانون در صورت غیبت غیرمجاز از جلسات در شرایط اضطراری (به تشخیص رئیس ستاد) به هیأت تخلفات اداری معرفی و حسب مورد به انفصال از خدمات دولتی از پانزده روز تا یک ماه محکوم می‌شوند.

شایان ذکر است که صراحتی به نوع مجازات‌ها در این قانون مشاهده نمی‌شود و صرف مسئولیت کیفری به معنای کلان و عدم اشاره شفاف به فرایند مجازات‌دهی این موارد کوتاهی که می‌تواند لطامت جبران‌ناپذیری به دنبال داشته باشد و مصادیقی از آن در سیلاب‌های اخیر خوزستان و شیراز به آنها اشاره شده است، از ایرادات اساسی این نوع جرم‌انگاری است، زیرا در عین ابهام، خلاف اصل قانونی بودن و شفافیت قانونی است.

در این قالب جرم‌انگاری مبتنی بر اصل صدمه می‌توان نوعی حرکت به سمت کیفری کردن پایبند نبودن به اخلاق و اخلاق‌گرایی را شاهد بود. نکته مهم این است که از آنجا که در جامعه مخاطره‌آمیز و دارای ریسک، ارزش‌های اخلاقی جایگاه کم‌رنگی پیدا می‌کند، از این حیث این اصل می‌تواند در صدد مقابله کیفری مؤثر با ریسک‌های دارای نتایج زیانبار احتمالی برآید و افزون بر آن سبب خواهد شد که اخلاق اجتماعی مرتبط با ریسک نیز پررنگ‌تر شود. به اعتقاد برخی در برخی از جرایم، پیش‌شرط جرم‌انگاری، رعایت اصل صدمه و سرزنش است [۴].

بر پایه این ملاحظات به‌طور کلی می‌توان نتیجه گرفت که اصل صدمه با دغدغه‌های پدرمآبانه حاکم بر کیفرگذاری پیوند داشته و در عین توجه به رفتارهای مضر و دارای نتیجه، به رفتارهای احتمالاً خطرناک نیز توجه ویژه دارد. از این حیث و با توجه به اینکه ریسک معنای احتمالی بودن را در بردارد و طرح این مفهوم در علوم مختلف مدیریت و جرم‌شناسی با دغدغه مدیریت آینده و نگرانی برای آن در جوامع مخاطره‌آمیز مطرح شده است، می‌توان موارد کوتاهی از سوی مسئولان این دو مفهوم را به یکدیگر پیوند داد. نکته مهم دیگر آن است که اشتراک میان توجه به ریسک در جرم‌انگاری و توجه به احتمال صدمه لزوم این جرم‌انگاری را بر مبنای اصل احتیاط تقویت می‌کند. بدیهی است که پس از وقوع سیل‌های اخیر در اوایل سال ۱۳۹۸، اولین دغدغه آن است که این رفتار براساس چه ماده قانونی یا چه قانونی جرم است. این سردرگمی سبب شده است که بسیاری از مصادیق قصورهایی که در اصل تبعات بسیار سنگین‌تری در مقایسه با جرایم دارند، حداقل یک ماده قانونی مجرمانه داشته باشند. به‌علاوه می‌توان شاهد بود که حتی ورود نهادهای مختلف دادستانی و سازمان بازرسی از حیث نتایج واقع‌شده بوده است و نه از باب رفتارهایی که خود مسبب این سیل‌ها شده بودند. برای مثال درباره موارد وقوع جان باختن برخی در حوادث سیل اخیر در شیراز، ورود دادستان می‌تواند با تمسک به ماده ۶۱۶ قانون تعزیرات ۱۳۷۵ از حیث قتل غیرعمد صورت گیرد؛ چراکه براساس ماده مذکور در صورتی که قتل غیرعمد به واسطه بی‌احتیاطی یا بی‌مبالاتی یا اقدام به امری که مرتکب در آن مهارت نداشته است یا به سبب رعایت نکردن نظامات واقع شود، مسبب به حبس از یک تا سه سال و نیز به پرداخت دیه در صورت مطالبه از ناحیه اولیای دم محکوم خواهد



شد. حال این مقرره‌های کلان قانون‌های کیفری که در توسعه آنها اختلاف نظرهای زیادی میان حقوقدانان وجود دارد، نمی‌توانند تضمین‌کننده سیاست کیفری جامع در زمان وقوع مخاطرات محیطی به دلایل قصور انسانی باشند.

### ۳. پیشگیری محوری قانونگذاری کیفری

سیل و وقوع آن به‌عنوان یکی از مخاطره‌های اساسی در جامعه کنونی، محورها و اقدامات شایان توجهی را در زمینه پیشگیری به رسمیت شناخته است. برای مثال در بند ج ماده ۳ قانون مدیریت بحران کشور مصوب ۱۳۹۸ مقرر شده است «پیشگیری و کاهش خطر: به مجموعه تدابیر و اقداماتی گفته می‌شود که شامل شناسایی، شناخت و تحلیل مخاطرات، آسیب‌پذیری‌ها، الزام به کارگیری مدیریت کاهش» است. همچنین در بند ث همین ماده به پیشگیری توجه ویژه‌ای شده است: «مدیریت بحران: نظام حاکم بر راهبردها، رویکردها، برنامه‌ها و اقداماتی است که با هدف پیش‌بینی، پیشگیری و کاهش خطر، آمادگی و پاسخ کارآمد و بازتوانی و بازسازی پس از وقوع حوادث و سوانح، به‌صورت چرخه‌ای صورت می‌گیرد». در امور بحران نیز بند ژ این ماده تا آنجا به پیشگیری اهمیت داده است که ستاد خاصی را با عنوان «ستاد پیشگیری، هماهنگی و فرماندهی عملیات پاسخ به بحران» برای آن مقرر کرده است. باید اشاره کرد که در زمان وقوع حوادث سیل سازمان مدیریت بحران، هم در زمان وقوع این مخاطرات و هم قبل از آن موظف به وظایفی شده است. برای مثال در بند پ ماده ۹ قانون مدیریت بحران کشور مصوب ۱۳۹۸، «ارتقای توان شناسایی مخاطرات و درک خطر حوادث و سوانح در سطح کشور از جمله تهیه اطلس ملی مخاطرات طبیعی و تدوین برنامه‌های کاهش خطر حوادث و سوانح استانی جهت تصویب ستاد ملی» به‌عنوان یک وظیفه قبل از مخاطره پیش‌بینی شده است. در این قانون بر اهمیت پیشگیری در بُعد همکاری سازمانی در بند ت ماده ۱۴ نیز تأکید شده است: «وزارت علوم، تحقیقات و فناوری از طریق مؤسسات وابسته از جمله مؤسسه ژئوفیزیک، پژوهشگاه بین‌المللی زلزله‌شناسی و مهندسی زلزله، پژوهشگاه ملی اقیانوس‌شناسی و علوم جوی موظف است: ۱. با همکاری سازمان هواشناسی (پژوهشکده هواشناسی و اقلیم‌شناسی) و انجمن‌های علمی نسبت به توسعه تحقیقات، مطالعات و شبکه‌های اطلاعاتی تخصصی درباره پیشگیری و کاهش خطر حوادث و سوانح اقدام کند...». در ابعاد مختلف و با نظر به مخاطره سیل می‌توان در مقررات کیفری افزون‌بر مشخص ساختن تکالیف نهادهای دولتی به دستورهای پیشگیرانه مانند هشدار به‌موقع، اقدام عملیاتی پیشگیرانه، به تشریح مساعی میان نهادهای متولی موضوع در قبل از وقوع سیل اشاره کرد. در قانون مدیریت

بحران کشور دستورها و تکالیف پیشگیرانه مختلفی پیش‌بینی شده است. یکی دیگر از ابعاد مهم پیشگیرانه ناظر به سیل هولناک اوایل ۱۳۹۸ در مناطقی مانند شیراز و خوزستان، پیشگیری کیفی مقررات کیفی است. به‌موجب این نگرش، چنانچه متولیان دولتی امور، در برابر این سیل مسئولیت کیفی داشته باشند و مشمول مجازات قرار گیرند، می‌تواند به عاملی برای بازدارندگی از تکرار قصور در آینده از سوی سایر مسئولان تبدیل شود.

#### ۴. پیش‌بینی پاسخ‌دهی جامعه‌ی به مخاطرات محیطی در سیاست کیفی

این پاسخ جامعه‌ی در دو دسته مهم تبیین‌پذیر است: ۱. پذیرش روزافزون اقامه‌ی دعوی گروهی کیفی درباره‌ی فعالیت‌های آسیب‌رسان؛ ۲. دخالت سازمان‌های مردم‌نهاد در تعقیب کیفی رفتارهایی که برای جامعه خطرناک‌اند. در این بُعد ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفی مصوب ۱۳۹۲ مقرر می‌دارد: «سازمان‌های مردم‌نهادی که اساسنامه آنها در زمینه حمایت از ... محیط زیست و منابع طبیعی ... است، می‌توانند درباره جرایم ارتكابی در زمینه‌های فوق اعلام جرم کنند و در تمام مراحل دادرسی شرکت کنند». اعلام جرم یک رویکرد مشارکتی تلقی می‌شود که به افزایش اثربخشی نهادهای قضایی کیفی در تحقق حمایت از جامعه قبل از وقوع مخاطرات منتهی می‌شود. در این قالب، اعلام جرم نه تنها یک اقدام پس از وقوع مخاطره سیل، بلکه قبل از وقوع آن و مرتبط با اقداماتی است که زمینه‌های وقوع سیل را فراهم می‌کند.

در بُعد مشارکت جامعه‌ی مردم عادی و نه سمن‌ها می‌توان اقامه‌ی دعوی گروهی را شاهد مثال بسیار مهمی برای قانونگذار دانست تا به مدد آن در زمینه تقویت حقوق کیفی مرتبط با رفتارهای مخاطره‌آمیز اقدام شود. بدیهی است که به دلیل وسعت جرایم و انحرافات مخاطره‌زای مختلف و به تبع آن گستردگی بزه‌دیدگی در آنها در حوزه مخاطراتی چون سیل، می‌توان ایفا نشدن حق همه متضرران را در آن انتظار داشت.<sup>۱</sup> از طریق این شیوه اقامه‌ی دعوا، کارایی سیستم

۱. دادخواهی انفرادی شیوه رایج پیگیری تضییع حق در نظام‌های حقوقی است؛ اما در مواردی که خواسته یا ارزش آن ناچیز باشد، اشخاص عموماً طرح دعوا نمی‌کنند، زیرا هزینه آن بیشتر از سودش است. در مقابل، خوانده برخلاف قانون، ثروت بادآورده‌ای به دست می‌آورد. این وضعیت وقتی تشدید می‌شود که تعداد خواهان‌ها زیاد بوده، اکثر آنان به علت کم بودن ارزش خواسته، طرح دعوا نکنند. در حقوق آمریکا و کانادا دعوی گروهی را برای مواجهه با چنین وضعیت‌هایی طراحی کرده‌اند. در آمریکا چندین گروه پیش‌بینی شده که افراد مشمول هر یک از آنها می‌توانند با جمع شرایط مقرر اقدام به طرح دعوا کنند. شرط تعدد، اشتراک، شاخصیت و شایستگی نماینده باید در همه گروه‌ها وجود داشته باشد (شرایط عام) تا دادگاه گروه را تأیید کند؛ اما در دعوی گروهی مطالبه خسارت لازم است. این شیوه برای رسیدگی به اختلاف بر دیگر شیوه‌های تجمیع دعوی متعدد برتری دارد و مسائل مشترک دادرسی بر مسائل فردی آن غالب است (شرایط خاص). در حقوق کانادا چنین تفکیکی وجود ندارد [۶].

قضایی افزایش می‌یابد و طرح دعوا از سوی تعداد زیادی از افراد، مقرون به صرفه جلوه می‌کند [۹]. دعاوی گروهی در زمینه جرایم علیه محیط زیست [۱۵]، و جرایم زمینه‌ساز یا تسهیل‌کننده وقوع سیل، به دلیل گستردگی بزه‌دیدگان آنها قابلیت طرح و پیش‌بینی دارند. لذا می‌توان با ایجاد سامانه‌های دعاوی گروهی و پیش‌بینی سازوکار قانونی آن، اقامه دعاوی گروهی را به‌عنوان منشأ تعقیب دعاوی حقوقی و اداری-انتظامی و همچنین عاملی برای آغاز تعقیب کیفری جرایم ناظر بر رفتارهای مخاطره‌آمیز زمینه‌ساز وقوع سیل و تشدید نتایج آن به رسمیت شناخت. مزایای متعدد اقامه دعاوی گروهی نه تنها کاربرد روزافزونی را برای آن در تعقیب جرائم حوزه‌ی ریسک و رفتارهای مخاطره‌آمیز ایجاد می‌کند، بلکه علاوه بر آن، می‌توان نظام‌مندترین کنترل شکلی ناظر به این جرائم را به وجود آورد. اهمیت مشارکت در پاسخ به جرائم در جامعه‌ی مخاطره‌آمیز راهبردی است که جایگاه ویژه‌ای را برای ایفای نقش این اقامه‌ی دعوا از سوی متضرران از سیل اخیر فراهم می‌سازد. اثربخشی سازمان‌های مردم‌نهاد در قالب دادخواهی در جرایم علیه محیط زیست، می‌تواند از مخاطرات احتمالی ناظر به این محیط بکاهد [۱۵].

بند ذ از ماده ۹ قانون مدیریت بحران کشور مصوب ۱۳۹۸ به‌عنوان یکی از وظایف سامان مدیریت بحران کشور مقرر می‌دارد «توسعه مشارکت‌های مردمی برای تقویت مدیریت بحران جامعه محور و ترویج فرهنگ ایمنی در جامعه از طریق برنامه‌ریزی و هماهنگی برای آموزش، سازماندهی و استفاده از ظرفیت تشکل‌های مردمی، نهادهای غیردولتی، فدراسیون‌های ورزشی، نیروهای داوطلب مردمی و بخش خصوصی در مدیریت بحران، تدوین سازوکارهای حمایتی و تشویقی جهت آموزش و ارتقای آمادگی مردم در برابر بحران». بدیهی است که حمایت از مشارکت مردمی پس از وقوع بحران‌هایی چون سیل لزوماً نباید به ارائه کمک منتهی شود، بلکه در قالب آن می‌توان مجرای شکایت کیفری را نیز فراهم آورد.

##### ۵. پیش‌بینی پاسخ‌های ترمیمی-جبرانی به مخاطرات محیطی در سیاست کیفری

امروزه جنبه نوینی در مجازات‌دهی به عوامل مخاطرات در حقوق کیفری مطرح است که به‌موجب آن، به‌جای تأکید صرف بر مجازات و حذف مجرم، نسبت به درگیر کردن وی در جبران خسارت اقدام شود. در این زمینه، امروزه مجازات‌ها به سمت التیام بخشی پس از وقوع جرم سوق یافته‌اند. از این‌رو، در سیلاب اخیر در استان‌های مختلف از جمله فارس و خوزستان، آنچه در وهله اول برای آسیب‌دیدگان مهم است جبران خسارت است. عموماً جبران خسارت نیز با توجه به اینکه برخی از عوامل مؤثر در وقوع یا گسترش نتایج زیانبار خسارات، نهادهای دولتی هستند و همچنین نظر به اینکه دولت متولی بیت‌المال است و در بودجه نیز برای این

موضوع ردیف خاصی پیش‌بینی شده است، دولت متولی جبران خسارت است. زیر سیل رفتن حدود ۱۳۰ هزار هکتار از اراضی کشاورزی استان خوزستان و خارج شدن آنها از شرایط برداشت نشان می‌دهد که حجم خسارات دامنه متفاوتی دارد.

اگر خسارات کلان و عمومی باشد، با توجه به مواد ۱ و ۱۱ قانون مسئولیت مدنی و مواد ۳۲۸ و ۳۳۱ قانون مدنی دولت یا متصدی مربوط، مسئول جبران خسارات به حساب می‌آید. بنابراین دولت و مدیریت شهری افزون‌بر اینکه ملزم است از محل بودجه قانونی استفاده کند، از ظرفیت‌های ستاد مدیریت بحران و سازمان مدیریت بحران کشوری نیز بهره خواهد گرفت. کوتاهی در اقدامات پیشگیرانه و مهار بلایای طبیعی، نقص در اجرای قوانین، قصور در نظارت بر سازه‌ها و کنترل و ایمن‌سازی مسیل‌ها برای مقابله با سیلاب از جمله مواردی است که برخی نهادها را ملزم به جبران خسارت می‌کند؛ اما در مواردی که ساخت‌وساز غیرمجاز و بدون پروانه در حریم رودخانه یا محل‌های غیرقانونی و ممنوع انجام گیرد و سازه در اثر حوادث غیرمترقبه از بین برود، افراد زیان‌دیده، استحقاق دریافت خسارت و غرامت را ندارند. اما اگر مجوز ساخت صادر شده باشد، مرجع صدور پروانه باید پاسخگو باشد. چون شهرداری‌ها مرجع صدور پروانه‌های ساختمانی و پایان کار هستند، باید کنترل مقاومت ساختمان‌ها در برابر سوانح طبیعی را به دستگاه‌های صلاحیت‌دار مانند نظام مهندسی یا شرکت‌های کنترل طراحی بسپارند؛ در غیر این صورت قصور اداری تلقی می‌شود. به‌طور کلی مسئول کسی است که در نتیجه تقصیر او ضرر به وجود آمده است.

با این حال، نبود قانون ویژه‌ای که ناظر بر نحوه رسیدگی به خسارات و قصور در حوادث طبیعی مانند سیل باشد، به تشتت عملی و بی‌ضابطگی منتهی خواهد شد و وضعیت جبران خسارت را با چالش‌هایی مواجه خواهد کرد. به همین دلیل در حال حاضر نوعی تکلیف اجتماعی مبنی بر بیمه کردن اموال و خانه‌ها در چنین حوادثی مطرح خواهد شد تا در حالت ضعف کنونی مقررات جبرانی، حداقل بتوان در زمینه جبران خسارت و مساعدت به سیل‌زدگان به بیمه‌ها مراجعه کرد.

### نتیجه‌گیری

سیاست کیفری جهت‌گیری‌های کلانی است که در مقررات کیفری و از طریق پیش‌بینی جرم، مجازات و رسیدگی نسبت به برخی رفتارها ترسیم می‌شود. امروزه بیشتر جرایم و رفتارها از نوعی افتراقی شدن سیاست کیفری بهره‌مند می‌شوند. بدیهی است که در رفتارهای مهمی چون رفتارهای زمینه‌ساز انسانی در وقوع نتایج زیانبار در وقوع سیل‌ها نیز اهمیت افتراقی و یا ویژه شدن یک سیاست کیفری اهمیت مضاعفی دارد. سیاست کیفری افتراقی نسبت به جرایم مؤثر در

وقوع سیل یا تشدید نتایج آن از برخی اصول و معیارهای متعارف حقوق کیفری سنتی عدول می‌کند حمایت پیش‌دستانه و پیشگیری از چنین وقایعی، مستلزم آن است که درباره رفتارهای مجرمانه با لحاظ اصطلاح مخاطره و احتمال وقوع در آینده اقدام به جرم‌انگاری شود. به‌منظور ترسیم سیاست کیفری ویژه و متمایز درباره وقایعی چون سیلاب‌ها مقتضی است که از کارشناسان دانش مخاطرات هم در سیاستگذاری کیفری و هم در تعقیب رفتارهای مؤثر در وقوع سیلاب استفاده کرد؛ زیرا استفاده از این کارشناسان می‌تواند راهکار مهمی باشد که در عین تأمین اقتضائات دانش مخاطرات، در زمینه حمایت حداکثری از آسیب‌دیدگان آینده واقعه سیلاب‌ها و همچنین آسیب‌دیدگان واقعی بعد از وقوع آنها مؤثر واقع شود. در این مقاله فرضیه اثبات‌شده ناظر به مطالعه موردی سیلاب‌ها در خوزستان و فارس نشان می‌دهد که سیاست کیفری به‌شکل تک‌بعدی نمی‌تواند به‌طور جامع اهداف حمایتی خود در برابر مخاطرات متعدد احتمالی را محقق کند. در این زمینه، اقتضای عملکرد فرارشته‌ای نیاز ویژه‌ای را به ملاحظات برخاسته از دانش مخاطرات به وجود می‌آورد و می‌توان از طریق این نگرش میان‌رشته‌ای سیاست کیفری و دانش مخاطرات، در عین حمایت حقوقی، کاهش خسارات جانی و مالی در اثر وقوع حوادث طبیعی مانند سیل را موجب شد. در راستای این اهداف ارزشمند، ممکن است قانونگذار در تعیین کیفرهای متناسب به خطا برود و از این حیث، در اجرای نوع کیفرهای افتراقی با چالش‌های مختلفی روبه‌رو شود. از این‌رو با توجه اهمیت روزافزون جرایم زمینه‌ساز وقوع سیلاب یا جرایم تشدیدکننده نتایج زینبار آن، می‌توان جرم‌انگاری رفتارها و تصمیمات مخاطره‌آمیز مسئولان، مانند تجویز تجاوز به بستر رودخانه و ساخت‌وساز در مسیل‌ها را پیشنهاد داد. در این قالب، اصول مهمی چون اصل احتیاط نوعی جهت‌گیری مشخص برای تعیین کیفرهای مرتبط ایجاد می‌کنند و از این حیث، پاسخ‌های کیفری نیز درصددند با بازدارندگی و کاهش تکرار جرایم مسئولان ذی‌صلاح در تصمیم‌گیری درباره زمینه‌های وقوع سیلاب یا قصور آنان در پیشگیری از این وقایع، اهمیتی جدی درباره اعاده وضع به حالت سابق و جبران خسارت اتخاذ شود. ولی تصویب روزافزون قوانین مرتبط نباید سیاست متشتمتی را برای قانونگذار در پی داشته باشد و نوع پاسخ‌ها بدون توجه به مطالعات کارشناسی شده و توجه به عقلانیت محوری تعیین شوند. از این‌رو، می‌توان تعریف دامنه مخاطرات و رفتارهای زمینه‌ساز آنها و همچنین ساختار پاسخ‌دهی و نوع تدابیر متناسب با آنها را با استفاده از نظرهای متخصصان دانش مخاطرات تدوین کرد و از این طریق بر دقت مقررات کیفری افزود. از این نظر، پیش‌بینی جبران آسیب‌های ناشی از حوادث قهری در باب موجبات ضمان از قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ از سوی بیت‌المال، اصلاح و تصریح دقیق به جرم مقرر در ماده ۲۳ قانون مدیریت بحران مصوب ۱۳۹۸ مبنی بر تعیین نوع پاسخ‌ها و

اصطلاح مجرمانه و همچنین جرم‌انگاری صریح کوتاهی نهادها در زمان قبل از وقوع سیل (در قالب از بین بردن بستر رودخانه‌ها و مسیل‌ها) و اقدامات کارشناسی نشده حین و بعد از وقوع سیل پیشنهادها مهم این مقاله‌اند. برای مثال می‌توان ماده ۳۰۳ قانون مجازات آلمان را به‌عنوان یک الگو مدنظر قرار داد که بر اساس بند یک این ماده «هرکسی که باعث جاری شدن سیل شود و در نتیجه آن جان یا تمامیت جسمانی شخص دیگر یا سایر اموال باارزش متعلق به دیگری را در معرض خطر قرار دهد، به حبس از یک تا ده سال محکوم خواهد شد».

### منابع

- [۱]. اس. ریگاکاس، جورج (۱۳۹۰). «جامعه خطر و جرم‌شناسی سنجشی: جنبه‌هایی برای یک گفت‌وگو انتقادی»، ترجمه افشین عبداللهی، فصلنامه مطالعات بین‌المللی پلیس، سال ۴، ش ۱۳، ص ۱۷۲-۱۵۷.
- [۲]. آقابابایی، حسین (۱۳۹۰). «امنیت، آزادی شخصی و مدیریت خطر جرایم امنیتی»، ضمیمه فصلنامه تحقیقات حقوقی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، یادنامه شادروان دکتر رضا نوربها.
- [۳]. دلماس مارتی، میری (۱۳۹۳). *نظام‌های بزرگ سیاست جنایی*، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، چ ۲، تهران: میزان.
- [۴]. حاجی‌ده‌آبادی، احمد؛ و سلیمی، احسان (۱۳۹۳). «اصول جرم‌انگاری در فضای سایبر»، فصلنامه راهبرد، ش ۸۰، ص ۸۸-۶۱.
- [۵]. رضانی قوام‌آبادی، محمدحسین (۱۳۹۰). «پیشگیری و سرکوب جرایم زیست‌محیطی در پرتو اقدامات سازمان‌های غیردولتی در نظام حقوقی ایران»، *مجله حقوقی دادگستری*، سال ۷۵، ش ۷۵، ص ۲۲۵-۱۹۹.
- [۶]. طهماسبی، علی (۱۳۹۳). «مطالعه تطبیقی شرایط دعوای گروهی در حقوق آمریکا و کانادا؛ آموزه‌هایی برای حقوق ایران»، فصلنامه پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دوره ۱۸، ش ۳، ص ۱۷۵-۱۵۳.
- [۷]. عالی پور، حسن (۱۳۸۹). *جرایم ضد امنیت ملی*، تهران: خرسندی.
- [۸]. فروغی، فضل‌الله؛ و ایرانی، امیر (۱۳۹۷). «بازشناسی معیارمدار از تحولات ارکان رفتارهای مجرمانه مخاطره‌آمیز»، فصلنامه مدیریت مخاطرات محیطی، دوره ۵، ش ۲، ص ۱۶۵-۱۴۳.
- [۹]. قاسمی، محمدعلی (۱۳۸۸). «جامعه ریسک و اهمیت آن برای مطالعات استراتژیک»، فصلنامه مطالعات راهبردی، دوره ۱۲، ش ۴۵، ص ۴۷-۲۷.

- [۱۰]. قره‌خانی، محسن؛ و ماجدی، زهرا (۱۳۹۵). *راهنمای جامع طراحی و پیاده‌سازی چارچوب مدیریت ریسک، آتی‌نگر*.
- [۱۱]. کولیور، ساندر؛ و آقایی، علی‌اکبر (۱۳۷۹). «آزادی، حق و امنیت»، *مجله فصلنامه مطالعات راهبردی*، دوره ۳، ش ۱۰، ص ۱۹۲-۱۷۷.
- [۱۲]. مهدوی‌پور، اعظم؛ و شهرانی کرانی، نجمه (۱۳۹۳). «امنیتی شدن جرم‌شناسی: راهبردها و آثار آن بر حقوق کیفری»، *دو فصلنامه پژوهشنامه حقوق کیفری*، دوره ۵، ش ۱، ص ۱۵۹-۱۸۸.
- [۱۳]. قاسمی حامد، عباس؛ و فلاح، آرزو (۱۳۹۳). «دعوی گروهی و تأثیر آن بر حقوق مصرف‌کننده»، *فصلنامه دیدگاه‌های حقوقی قضایی*، دوره ۱۹، ش ۶۵، ص ۱۲۲-۸۹.
- [۱۴]. مندنی، اسلام (۱۳۹۴). *سیاست جنایی امنیت‌مدار و نظام کیفری حقوق بشر*، تهران: مجد.
- [۱۵]. محسنی، حسن؛ غفار فارسانی، بهنام؛ و شوشی‌نسب، نفیسه (۱۳۹۱). «دعای جمعی و نقش آنها در احقاق حقوق مصرف‌کنندگان»، *فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی*، دوره ۱، ش ۱، ص ۱۵۷-۱۸۲.
- [۱۶]. مقیمی، ابراهیم (۱۳۹۴). *دانش مخاطرات (برای زندگی با کیفیت بهتر)*، چ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- [۱۷]. مقیمی، ابراهیم (۱۳۹۶). چرا دانش مخاطرات (دانش مخاطرات امری فطری است)؟، *فصلنامه مدیریت مخاطرات محیطی*، دوره ۴، ش ۱، ص ۷-۱.
- [۱۸]. مقیمی، ابراهیم (۱۳۹۳). «چرا مخاطرات (۱)، (تعریف و ضرورت)»، *فصلنامه مدیریت مخاطرات محیطی*، دوره ۱، ش ۱، ص ۳-۱.
- [۱۹]. نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۹۲). *تقریرات درس جرم‌شناسی (از جرم‌شناسی انتقادی تا جرم‌شناسی امنیتی)*، دوره دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.
- [20]. Hudson, Barbara (2003). *Justice in the Risk Society; Challenging and Re-affirming Justice in Late Modernity*, Opcit, P: 46.
- [21]. Luhmann, Niklas. (1993) *Risk: A Sociological Theory*, New York: Aldine/de Gruyter.
- [22]. Mythen, Gabe, (2014). *Understanding the Risk Society, Risk, Security and Justice*, Palgrave Macmillan publication, London, P: 12.
- [23]. Simester, Andrew & von Hirsch, Andrew . (2011). *Crimes, harms, and wrongs: On the principles of criminalisation*, Oxford: Hart.